



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۲ ■ ۱۷ بهمن ۱۳۹۸

نوجوان



پیام‌های خود را به پست الکترونیکی ضمیمه نوجوانه به نشانی زیر ارسال کنید.
info@jamejamdaily.ir



شماره پیامک ۳۰۰۰۱۲۲۳ نیز راه ارتباطی دیگر ما به شماست



ببخشید شما؟



به سرتیم (خشک و باحال!!) داریم که بار دبیری رو به دوش می‌کشد به اسم **حسین شکیب راد**. یکی هم هست به اسم **زهرا قربانی** که مثلاً دبیرتحریریه است ولی آچارفرانسه بیشتر بهش می‌خوره. این جنگولک بازی‌های گرافیکی هم که ضمیمه رو خوندمی تر کرده کار **محمد لوریه**. هرچی عکس زشت و زیبا هم می‌بینید زحمت این آقاست: **سعید سجادی**.
ولی دم همه نوجوون‌ها و جوون‌هایی که کمک کردن بابت تولید ضمیمه **نوجوانه** گرم!

داستان تعاملی



حسین آشفته

زبان بسته

ماجرای دربارۀ گربه‌ای است که خانه‌اش اطراف یک مدرسه پسرانه است. قصه از جایی شروع شد که او یک روز شاهد فرار دو دانش‌آموز از مدرسه بود و از ما پرسید که با پریدن روی بابای مدرسه که خوابش برده مانع کار آنها شود یا نه... و اینک ادامه ماجرا

من هم دلم لک زده بود برای یک ذره هیجان. دقیقاً حرف شمارا عمل کردم. گفتم دنبالشان بروم. شاید دو دوست جدید هم پیدا کنم. گرچه پیش خان همیشه به ما تاکید ویژه کرده که نباید طرح دوستی با موجودات دو پا ریخت. آن دو پسر به آرامی در را بستند و حالا دارند پاورچین پاورچین به سمت سرکوپه می‌روند. من هم پشت سرشان حرکت می‌کنم. ناگهان تصمیم گرفتند به دویدن! با این که آنها اشرف مخلوقات محسوب می‌شوند و بنده حیوانم، می‌توانم ادعا کنم که عبور از خیابان را بسیار بهتر و محتاط‌تر از آنها می‌دانم. بالاخره ایستادند و محکم به کف دست هم دیگر کوبیدند!
- ایول دمت گرم مجیدی! حالا بریم خونه هامون.



قسمت دوم

+ خونه چی؟ کشک چی؟ انگار راستی راستی دفعه اولته از مدرسه در می‌ری!
- چرا خب؟
+ الان بری خونه مامانت نمی‌گی چرا دو ساعت زود اومدی؟
- راست می‌گی، اما چی کار کنیم؟
+ بریم گیم‌نت.
- نه تو رو خدا! امتحان‌های ترم نزدیکه.
+ واسه همین می‌گم. امتحان‌ها شروع بشه که دیگه نمی‌تونیم بریم.
- بد می‌شه قرارمون این نبود آخه.
+ اصلاً بیا به بازی کنیم احمدی.
مجیدی رو به من کرده و با انگشت نشانش می‌دهد.
+ اون گربه هه‌رو می‌بینی؟ می‌رم سمتش اگه در رفت که می‌ریم گیم‌نت ولی اگه نرفت و گذاشت به دمش دست بزنم هر کاری می‌کنیم که تو بگی.
- نامردی به معلومه در می‌ره چه گربه است دیگه.
+ احتمال این که در نه هم بعید نیس.
- باشه قبول.
مجیدی دارد به سمت می‌آید. ترس برم داشته و سه قدم پیش‌تر با من فاصله ندارد. باید سریع‌تر تصمیم بگیرم! در چشمان مجیدی شیطنت موج می‌زند. شما بودید چه می‌کردید؟

الف) سر جایم بایستم تا آنها قبل از امتحانات قید گیم‌نت را بزنند؟
ب) فرار کنم تا مبادا دست‌شان به من برسد؟

جواب سوالات را در جدول وارد کنید. با این کار حروف متناظر هر عدد خودش را به شما نشان می‌دهد. حال کافیت جای اعداد ردیف رمز را با حروف متناظرشان پر کنید و رمز را به دست آورید. رمز را همراه با اسم و فامیلتان به سامانه پیامکی ما بفرستید.
رمز جدول شماره قبل: نوجوانه

*	۵								*
								۲	
									۱
					۳				*
۱	۲	۱	۳	۴	۵	۲	۶	۳	۱
*									*
						۴			
									۶
*								۲	*

- ۱- امام خمینی رمز بقای این انقلاب را چه می‌دانستند؟
- ۲- امام خمینی در سال ۱۳۲۲ فجاجی سلطنت پهلوی را در کدام کتاب افشا کرد؟
- ۳- نظام سلطه یا امپراتوری طلبی
- ۴- نویسنده کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» که بود؟
- ۵- ساواک بیشترین تعامل را با کدام سازمان ضد جاسوسی داشت؟
- ۶- چهارمین شهید محراب
- ۷- اصلاحات ارضی که قرار بود با حمایت آمریکا در زمان پهلوی دوم اجرا شود اما با مخالفت علما و مردم مواجه شد
- ۸- محل سخنرانی امام (ره) در ۱۲ بهمن و پس از بازگشت به ایران

عکس بی‌قاب



شماره قبل نوجوانه، عکس روبه‌را برایتان گذاشتیم و از شما خواستیم هرچه به ذهنتان می‌رسد برای ما بنویسید و پیامک کنید. این هم نتیجه زحمت و ذوق هم‌سن و سال‌هایتان. البته مطالب بیشتری برایمان ارسال شد و این گزیده بهترین‌آن‌هاست.

مهدی تشکیکنی / تهران: همیشه رنج کشیدیم که چرا نفر آخر هستیم، چرا انتخاب نمی‌شویم. ولی چرا نپرسیدیم، آیا حکمتی وجود نداشت؟

ماهان شهبازپور / ایلام: بین من و دوست، قایقی از جنس جعبه است! شاید اگر من هم گوگرد داشتم، اکنون... غرق دریای سوخته‌ها بودم!

هانیه ملک محمدی: این است زندگانی، لبریز رنج و سختی تا فرصتی به جا هست، دریاب عمر خود را.

محدثه جلیلی: گاهی وقت‌ها کنار کشیدن از ذهن‌های سمی و افکار منفی اطرافیان، تنها راه سالم موندن.

محمد حسن اسلامی: اگر اطرافیان در آتش این جهان سوخته‌اند، تو را هم پیدا کن که به سرنوشتشان دچار نشوی.

سیده حنانه حسینی / تهران: گاهی هزاران نفر خودشان را به آب و آتش می‌زنند تا شده، فقط یک نفر هم بماند... البته سالم بماند!

فاطمه کریمی / خمینی‌شهر: گران باش! گاهی وقت‌ها برای خودت هم خط و نشان بکش، رژیم ارزشمندی و غرور بگیر. بگذار مثل یک گنج به دنبال باشی.

حدیث اسدی / تهران: اگر آتش فروزند در بین دل‌ها چو ایمان تو را سایه شد درامانی به هیچ‌ش شمار آنچه گفتند مردم تو قطعا بمانی هر آنکس که مانی

فرزانه کریمی‌ان / تهران: گاهی اوقات حس میکنی تو به چار دیواری اسپر شدی. ولی ای کاش بتونی بفهمی این اسارت ارزشمندتر از آزادی بدون قید و شرطه...

پارسا بحرینی / البرز: گاهی دنباله‌روی دیگران بودن مفید نیست، گاهی بهتره راه خودت را ببری حتی اگه همه راه دیگری را بروند.
محمد طاهای فوداجی / تهران: نماز، عایقی نسوز، در برابر کفر است. کفری که انگار این روزها مد شده است.

کیمیا زلفی گل / اسلامشهر: روزگار به نوبه خود همه را آتش می‌زند و فقط یک جرقه برای سوختن کافی است، اما تا وقتی که خدایت تو را در آغوش گیرد حتی اگر کبریت باشی هیچ وقت نخواهی سوخت!...

gholizadeh1۴1۸: این آخرین شانس توه!
محمد حسین نریمانی: یک بار عمر می‌کنیم!
باران هادیان / اصفهان: خودت باش! ممکنه خیلی وقتا تنها بشی، ولی به سوخته نشدنش می‌ارزه.
عماد مختاری / اصفهان: از فرصت‌ها درست استفاده کن و زندگی خودت را روشن کن و با درس گرفتن از تجربه‌هایت، مانند تکه چوب‌هایی، باعث شو این آتش همیشه روشن بماند.

هفته سالگی

دنای عجیبی ست دنیای هفته سالگی. آنقدر بچه نیستی تا سرت را گرم کنند که ظلم را نبینی و دم نرنزی و هنوز هجده ساله نشدی که در دنیای آدم بزرگ‌ها تو را به حساب بیاورند. آدم بزرگ‌هایی که کمی بعد خود می‌کنند به ظلم و امام علی (ع) چه زیبا گفتند که ظالم و مظلوم هر دو گناهکارند. (الخصال / ج ۱ / ص ۱۵۷)



خوش به حال محبوبه دانش که تن به دنیای آدم بزرگ‌ها نداد و همرنگ باورهایش آسمانی شد. شاید خیلی‌هایمان ندانیم چقدر نوجوان در راه امنیت و عزت این کشور از جان‌شان گذشته‌اند. در حالی که ۳۶ هزار دانش‌آموز شهید داریم. و محبوبه دانش هم یکی از همین‌هاست. او از شهدای ماجرای هفته شهریور بود.